

بررسی سبک های یادگیری و نقش آن در انضباط دانش آموزان مدارس ابتدایی شهرستان میاندوآب

نام غزال یحیی زاده میاندوآب

دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

چکیده

سبک های یادگیری یکی از موضوعات چالش برانگیز در پژوهش های علوم تربیتی است. در بسیاری از موارد نتایج بدست آمده در تعارض با یکدیگر بوده اند. بسیاری معتقدند که سبک های یادگیری بر خود یادگیری تاثیر می گذارد. اگرچه اصطلاح سبک های یادگیری به طرق مختلف تعریف می شود اما همه ی تعریف ها براین نکته تاکید دارند که سبک های یادگیری شامل باورها، اعتقادات و رفتارهایی می باشد که افراد به کار می برند. در این پژوهش به بررسی سبک های یادگیری و نقش آن در انضباط دانش آموزان مدارس ابتدایی شهرستان میاندوآب پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: سبک، یادگیری، انضباط، دانش آموز، میاندوآب

مقدمه

آموزش و پرورش بخش قابل توجهی از تغییر دستاوردهای کشور را به خود اختصاص می دهد و نقش بسیار مهمی در پرورش افراد جامعه ایفا می کند. این سیستم می تواند بر کودکان تاثیرات مطلوب و نامطلوبی برای همیشه بر جای گذارد زیرا که آموزش و پرورش بر سلامت روانی کودکان، آرامش و رفتار شهروندی آنها تاثیر گذار است. آموزش و پرورش از دو واژه آموزش و پرورش تشکیل شده است به این معنا که آموزش چیزی فراتر از انتقال اطلاعات و ایجاد مهارتها بوده و یک فرایند تکاملی برای آموزش دهنده است. با وجود این، در این فرایند گاهی اوقات، مشکلاتی در تعامل بین معلم و دانش آموز ایجاد می شود که می توان آن را رفتار چالش زا (نامنظم) نامید. رفتارهای چالش زا در دانش آموزان باعث اختلال در روند آموزش و یادگیری می گردد و فرسودگی شغلی معلمان را به همراه دارد. این رفتارها اثرات سویی در انگیزه و توان معلم برای ادامه فعالیت دارد. مشکل انضباط تقریباً در زندگی روزانه تمام معلمان وجود دارد، البته لزومی ندارد که تمام دانش آموزان رفتاری نامطلوب داشته باشند، رفتار ناهنجار حتی یک نفر هم می تواند به کلی فرایند یاددهی- یادگیری آن کلاس را مختل کند به طوری که سایر دانش آموزان منضبط نیز به اهداف آموزشی کلاس، دست نمی یابند. حتی اثرات چنین مشکلاتی می تواند بر سایر فعالیت های آموزشی معلمان و یادگیری دانش آموزان دیگر اثر گذار باشد (رمضان پور و همکاران، ۱۳۹۴).

هدف اصلی آموزش، دست یابی به موفقیت تحصیلی بوده و از جمله عوامل موثر بر یادگیری دانش آموزان، شناسایی سبک های یادگیری آنهاست. شناسایی سبک یادگیری فراگیران و تهیه برنامه آموزشی و نیز تناسب شیوه تدریس با سبک یادگیری دانش آموزان می تواند در ارائه الگوی مناسب تدریس و ارتقای کیفیت آموزشی و پرورش اصولی دانش آموزان موثر واقع گردد. لذا هدف این پژوهش بررسی نقش سبک های یادگیری بر انضباط دانش آموزان مدارس ابتدایی شهرستان میاندوآب می باشد.

بیان مساله

در جوامع امروزی از موضوع هایی که در پژوهش های آموزشی مورد توجه بسیار قرار گرفته، این است که دانش آموزان چگونه به یادگیری مطالب بپردازند. دنیای کنونی چنان در حال پیشرفت و توسعه است که پژوهشگران و متخصصان آموزشی را بر آن داشته است تا راه هایی یابند که توسط آنان بتوانند سرعت یادگیری را با سرعت پیشرفته همگام کرد. انسان از طریق یادگیری رشد می یابد و به توانایی های خود فعلیت بخشد (گالاگر^۱، ۲۰۰۷).

یکی از واقعیت های مهم هستی، وجود تنوع در میان پدیده های عالم است. انسانها نیز مشمول همین قاعده اند. دانش آموزان از لحاظ توانایی های ذهنی، روشهای آموختن، سبک و سرعت یادگیری، آمادگی و علاقه و انگیزش برای کسب دانش و انجام فعالیتهای تحصیلی با هم تفاوت دارند. عوامل مختلفی موجب تفاوت میان یادگیرندگان می شود. آنچه در سالهای اخیر بیشتر از بقیه عوامل نظر روانشناسان پرورشی و متخصصان آموزشی را به خود جلب کرده، تنوع سبکهای یادگیری است (سیف، ۱۳۹۶).

تلاش برای درک چگونگی یادگیری بشر در سال ۴۲۷ قبل از میلاد، هنگامی که سقراط و افلاطون با نظریه ی فیلسوفانه ی خود، سرچشمه ی دانش را کاویدند، آغاز شد. گوردن آلپورت در سال ۱۹۳۷ با معرفی "سبک های زندگی" اصطلاح سبک را وارد روانشناسی کرد. اما فرضیه سازی اصلی در مورد تفاوت های یادگیری هنگامی آغاز شد که رب تلان در سال ۱۹۵۴ اصطلاح، سبک های یادگیری را مطرح کرد. در درهه ۱۹۷۰ مفهوم سبک یادگیری گسترش بیشتری یافت و در میان آموزش دهندگان محبوب شد.

¹. Gallagher,D

به اعتقاد ولفوک سبک یادگیری را می توان توجیه کننده بسیاری از تفاوت های فردی در کلاس دانست پس معلم باید حق انتخاب نوع سبک یادگیری را برای یلدگیرندگان خود فراهم سازد. ویتکین^۲ (۱۹۸۷) معتقد است توجه معلمان و برنامه ریزان درسی به سبک شناختی افراد که ریشه در تفاوت های فردی آنها دارد موجب تسهیل در یادگیری و فرایند آموزشی خواهد شد. دانش آموزانی هستند که در یادگیری و پیشرفت تحصیلی مشکل دارند و معلمان با عدم آگاهی از سبک های شناختی شان اقدام به تدریس می کنند و این امر باعث افت تحصیلی آن ها می شود بنابراین دانستن اینکه دانش آموزان با چه سبک هایی یاد می گیرند به معلم این امکان را می دهد که برنامه درسی خود را به طریقی تنظیم کند که با سبک های یادگیری مورد استفاده دانش آموزان مطابقت داشته باشد. به اعتقاد ولفوک سبک یادگیری را می توان توجیه کننده بسیاری از تفاوت های فردی در کلاس دانست پس معلم باید حق انتخاب نوع کسب یادگیری را برای یادگیرندگان خود فراهم سازد (ویتکین، ۱۹۸۷).

در نظام آموزشی و در ارتباط با یادگیری عوامل متعددی وجود دارند که به نوبه خود بر یادگیری اثر می گذارند. هر فرد نیز از روش های متفاوتی جهت مطالعه و یادگیری خود استفاده می کند که این روش ها با توجه به عواملی مانند انگیزش، شخصیت، توجه و علاقه فرد به تکلیف و راهکارهای یادگیری و شناختی از فردی به فرد دیگر متفاوت است. با آموزش راهکار های یادگیری و مهارتهای شناختی به دانش آموزان و یاد دادن "چگونه یاد گرفتن" و آگاه کردن آنها از ارجحیت های یادگیری و شناساندن سبکهایی که در آن موفق هستند می توان سطح یادگیری و موفقیت آنها را بالا برد (وینکلر و همکاران^۳، ۲۰۱۷).

از طرفی یکی از نقشهای معلمان در کلاس درس یادگیری، اطمینان از نظم و انضباط در کلاس است، مدیریت کلاس درس توسط معلم، به شدت با رفتار دانش آموزان ارتباط دارد، وقتی دانش آموزان بی نظم هستند آشفستگی به وجود آمده، یادگیری را غیرممکن می کند. به همین علت در دهه های اخیر، مطالعه مدیریت کلاس درس یکی از مهمترین موارد بوده است (یزدی، ۱۳۸۷). اگرچه طی چند دهه گذشته پژوهش هایی در زمینه انضباط کلاسی انجام شده است اما مفهوم نظم و انضباط هنوز به اندازه کافی کشف نشده است و نظریه پردازان مختلف مفاهیم و تعاریف متفاوتی از این سازه ارائه کرده اند. اختلاف نظرهای مذکور، سبب تغییر رویکرد معلمان و توجه بیشتر به رویکردهای مثبت و مبتنی بر پاداش شده است. تاکید اصلی این رویکردها بر توسعه انگیزه درونی و گسترش روابط متقابل مثبت کودکان در مدرسه بوده است که می تواند بر رویکرد های رفتاری هر دانش آموزان تاثیرات مختلفی بگذارد (لی و کمبل^۴، ۲۰۲۱).

بر این اساس به جهت اهمیت مقوله سبک های یاد گیری به عنوان رفتارهای معین شناختی، عاطفی و روانی اجتماعی که به عنوان شاخص های نسبتاً پایدار در زمینه نحوه ادراک، تعامل و واکنش دانش آموزان نسبت به یادگیری در محیط ایجاد می گردد و مقوله انضباط به عنوان رفتارهایی که فرد، محیط و سبک های درونی برای دانش آموزان معین می کند تا از آن تحت هر شرایطی پیروی کرده تا به هدفی که مدیران و مسئولین آموزش طرح ریزی نموده اند برسند. لذا در این پژوهش به این سوال پاسخ خواهیم داد که سبک های یاد گیری چه ارتباطی با انضباط دانش آموزان مدارس متوسطه شهرستان میاندوآب دارد؟

² Witkin, N

³ Winkler, J. L., Walsh, M. E., de Blois, M., Maré, J., & Carvajal, S. C

⁴ Lee, C., & Campbell, D. L

تبیین مقوله سبک های یادگیری

سبک های یادگیری روش های گوناگون برای یادگیری بوده و شامل آموزش روش های منحصر به فرد برای یادگیری بهتر یادگیرندگان هستند (شمس و همکاران، ۱۳۹۰). بیشتر افراد ترجیح می دهند روشی مشخص در تعامل با پردازش محرک ها یا اطلاعات داشته باشند. بر این اساس، "سبک های یادگیری" در دهه ۱۹۷۰ ایجاد شده و محبوبیت زیادی به دست آورد (سرينیدی و تای^۵، ۲۰۱۷). سبک یادگیری به عنوان دسته ای از تفاوت های فردی در درک کردن، بخاطر آوردن و تفکر کردن تعریف شده است (خسروی، ۱۳۸۳). روان شناسان تربیتی، اصطلاح «سبک های یادگیری» را به جای سبک های شناختی به کار می برند و سنخ های مختلف یاد گیرنده، انواع فعالیت های یادگیری، و انواع زمینه های یادگیری را مورد توجه قرار می دهند و نظریه پردازان توافق دارند افراد برای رمز گردانی، پردازش و دستکاری اطلاعات، سبک های متفاوتی دارند که اساسا مستقل از هوش است (همایونی و ابراهیمی، ۲۰۱۴).

کلید اصلی درگیر کردن و ادامه شرکت دانش آموزان در فرایند های یادگیری، در فهم ترجیحات سبک یادگیری و سبک شناختی خود قرار دارد که می توانند به طور مثبت یا منفی عملکرد دانش آموزان را تحت تاثیر قرار دهد. هنگامی که افراد به طور فعال در فرایند های یادگیری خود شرکت می کنند احساس قدرت و اختیار آنها افزایش می یابد و پیشرفت شخصی و خود جهت دهی آنها بیشتر می شود (غنایی، ۱۳۸۴).

سبک ها، منعکس کننده این واقعیت هستند که برخی از افراد توانایی بیشتری در استفاده از برخی فرایند های یادگیری دارند. این توانایی ها در دوره کودکی به طور ناخودآگاه تحت تاثیر آمادگی های زیست شناختی فرد و عوامل محیطی او شکل می گیرند. سبک های یادگیری به ویژگی های افراد در استفاده از توانایی های شناختی باز می گردد و راه های ترجیحی آنان را نشان می دهند که برای جمع آوری، تفسیر، سازماندهی و فکر کردن در مورد اطلاعات بکار می گیرند (فلیمنگ^۶، ۲۰۱۱). بسیاری از محیطها و موقعیت های آموزشی و شغلی بر تواناییهای افراد تاکید می شود و مطمئنا تواناییها برای موفقیت در مدرسه، موقعیتهای شغلی و زندگی بعدی مهم و ضروری هستند، اما باید توجه داشت که تواناییها به تنهایی نمی توانند عامل موفقیت باشند بلکه باید سبکهای یادگیری را هم به عنوان یکی از عوامل مهم و موثر در موفقیت شغلی و تحصیلی افراد در نظر گرفت (صفری و بذر افشان، ۱۳۸۸).

❖ دسته بندی سبک های یادگیری :

طبق دسته بندی دیوید کلب، سبک های یادگیری شامل:

۱. همگرا،
۲. واگرا،
۳. انطباق یابنده و

⁵ Sreenidhi SK, Tay Chinyi H

⁶ Fleming ND

۴. جذب کننده است، و چهار شیوه اصلی شامل تجربه عینی، مشاهده تأملی، مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال برای یادگیری وجود دارد از ترکیب این شیوه های یادگیری، چهار سبک یادگیری واگرا، همگرا، انطباق یابنده و جذب کننده حاصل می شود.

۱. سبک یادگیری همگرا (Convergent)

سبک یادگیری همگرا از ترکیب دو شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال ایجاد می شود. همگراها از طریق تفکر و عمل یاد می گیرند و توانایی زیادی در کاربرد عملی اندیشه ها و نظریه ها دارند و در موقعیت هایی که فقط یک جواب درست یا فقط یک راه حل برای سؤال یا مسأله وجود دارد عملکرد بهتری دارند. پژوهش ها نشان می دهد که همگراها نسبتاً غیرعاطفی (غیرهیجانی) هستند و به جای اینکه با افراد ارتباط داشته باشند، ترجیح می دهند، اقدام به عمل کنند. آنها اغلب تمایل دارند در علوم فیزیک، مهندسی و علوم کامپیوتر متخصص شوند (لامبرسکی، ۲۰۰۲).

۲. سبک یادگیری واگرا (Divergent)

سبک یادگیری واگرا از ترکیب دو شیوه یادگیری تجربه عینی و مشاهده تأملی ایجاد می شود. واگراها از طریق احساس و مشاهده یاد می گیرند، و ویژگی هایی مخالف همگراها دارند. این افراد خلاقیت و توانایی تخیلی زیادی دارند و در دیدن موقعیت ها از زوایای مختلف بر دیگران برتری دارند. به عنوان مثال می توانند اندیشه ها و نظریه های بسیاری را در یک جلسه طوفان مغزی ارائه دهند. پژوهش ها نشان می دهد که واگراها به ارتباط با افراد علاقه مندند و عاطفی و تخیلی هستند. آن ها گرایش دارند که جذب علوم هنری شوند و اغلب دارای سابقه تحصیل در علوم انسانی و هنرهای آزادند. مشاوران، متخصصان سازمانها و مدیران از ویژگی های این سبک یادگیری برخوردارند (لامبرسکی، ۲۰۰۲).

این افراد اجتماعی و مردمی هستند و سوال مطلوب آنها به "چرا" است، آنها اطلاعات را به طور عینی دریافت و به طور تاملی پردازش می کنند و این یادگیرندگان، دارای توانایی تخیل قوی هستند. در تفکر بینشی، بارش مغزی، خلاقیت و انجام کار به صورت گروهی بر دیگران برتری دارند. به هماهنگی و درک دیگران اهمیت می دهند، درباره ی مردم به وسیله طرز عمل آنها قضاوت می نمایند، ممکن است به بعضی از امور شک کنند و انجام بعضی از آنها سرپیچی نمایند. خصوصیات افراد واگرا را بدین شرح می دانند: استفاده از تجربیات شخصی، نگاه به موقعیت ها از جنبه های گوناگون، ایجاد ارتباط با حجم وسیعی از اطلاعات، علاقه به تعاملات اجتماعی، بحث و کار گروهی و لذت بردن از نظرها و عقاید جدید و بکر و سازنده (چینگ و چاوان، ۲۰۰۴).

۳. سبک یادگیری جذب کننده (Assimilator)

سبک یادگیری جذب کننده از ترکیب دو شیوه یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و مشاهده تأملی ایجاد می شود. جذبکننده ها از طریق تفکر و مشاهده یاد می گیرند و توانایی زیادی در درک و تولید نظریه ها دارند و در استدلال استقرایی و در ترکیب دیدگاه های مختلف و مشاهده آن ها در یک زمینه کلی بر دیگران برتری دارند. جذب کننده ها مانند همگراها به ارتباط با افراد کمتر علاقه مندند و به تأمل درباره مفاهیم می پردازند، ضمن آنکه به کاربرد عملی اندیشه ها و نظریه ها نیز علاقه ای ندارند. برای افراد این

سبک، بیشتر مهم است که نظریه، منطقی و دقیق به نظر برسد. در موقعیتی که یک نظریه یا برنامه با واقعیات تناسبی ندارد، جذبکننده ها دوست دارند که بی اعتنا باشند یا دوباره واقعیات را بررسی کنند.

۴. سبک یادگیری انطباق یابنده (Accommodator)

سبک یادگیری انطباق یابنده از ترکیب دو شیوه یادگیری تجربه عینی و آزمایشگری فعال ایجاد می شود. انطباق یابنده ها از طریق احساس و عمل یاد می گیرند و کاملاً متضاد جذب کننده ها هستند. آن ها توانایی زیادی در انجام برنامه ها و آزمایش و درگیری با تجارب جدید دارند، خطرپذیرند و در موقعیت هایی که نیاز به تصمیم گیری و سازگاری سریع دارد، بر دیگران برتری دارند. در موقعیت هایی که یک نظریه یا برنامه متناسب با واقعیات نیست، آن را رها می کنند و به موضوع دیگری می پردازند. آن ها اغلب مسایل را به طور شهودی و به روش کوشش و خطا (آزمون و خطا) حل می کنند و برای کسب اطلاعات به دیگران متکی اند. انطباق یابنده ها در ارتباط با افراد راحت اما تا حدی عجولاند. این افراد به این دلیل انطباق یابنده نامیده می شوند که سریع با موقعیت ها و افراد جدید سازگار می شوند.

اغلب رشته های عملی مانند تجارت و تدریس (معلمی) را برمی گزینند، این افراد در زمینه های مدیریتی، خرید و فروش موفقیت خوبی بدست می آورند و مشاغل فعالیت محور از جمله پرستاری، تدریس، بازاریابی و فروشندگی را ترجیح می دهند (لامبرسکی، ۲۰۰۲).

❖ طبقه بندی سبک های یادگیری مک کارتی^۸ (۱۹۸۰)

- مک کارتی (۱۹۸۰) یادگیرندگان را بر اساس سبک های یادگیری خود به چهار نوع تقسیم کرده است که عبارتند از:
۱. یادگیرندگان ابتکاری: آن ها معمولاً دارای مقاصد شخصی هستند و نیاز به دلایل ایده آل یادگیری دارند دلایلی که اطلاعات جدید را به تجارب شخصی ربط می دهند.
 ۲. یادگیرندگان تحلیلی: عموماً علاقمند به بدست آوردن واقعیات هستند و مفاهیم و فرایندها را به خوبی درک می کنند و دارای نظم و تربیت هستند.
 ۳. یادگیرندگان حسی: عموماً علاقمند هستند بدانند اشیا چگونه کار می کنند آنها وقتی بخواهند چیزی را بدست آورند برای آن تلاش می کنند. آنها یادگیری عینی و تجربه ای دارند.
 ۴. یادگیرندگان پویشی: عموماً علاقمند به خود رهبری و اکتشافی هستند. آن ها به دریافت های شهودی خود تکیه می کنند و در حین یادگیری معمولاً فعال هستند (مک کارتی، ۱۹۸۰).

❖ طبقه بندی سبک های یادگیری گراشا و ریچمن (۱۹۹۶)

مدل پیشنهادی گراشا و ریچمن بر اساس پاسخ دانش آموزان به فعالیت کلاس تشکیل می شود. از نظر آنها سبک یادگیری را می توان از طریق ابعاد اجتماعی و عاطفی، مثلاً نگرش به یادگیری، معلمان و یا همکلاسی ها شناسایی کرد. در این تعریف از سبک های

⁸ Macarty.M

یادگیری، جنبه ارتباطی و تعاملی سبکها در کلاس درس مورد تأکید قرار می گیرد. در مدل اولیه آنها برای تعامل کلاسی، سه بعد دوقطبی مطرح می شود:

۱. اجتناب کننده- مشارکت طلب

۲. رقابت طلب- همکاری خواه

۳. وابسته- مستقل

اما آنها در مدل خود تجدید نظر کرده و بیان کردند که افراد در هر بعد، روی یک پیوستار تک قطبی قرار می گیرند و نه در قطب های مخالف. بر اساس تقسیم بندی جدید افراد می توانند تا حدی از رقابت طلبی، همکاری خواهی، اجتناب گری، مشارکت طلبی، وابستگی و استقلال برخوردار باشند.

۱. رقابت طلب: دانش آموزانی که با سایر دانش آموزان رقابت میکنند، و کلاسهای معلم مدار و توأم با فعالیت را ترجیح می دهند.

۲. همکاری خواه: این افراد افکار خود را با دیگران در میان می گذارند و کار در گروه های کوچک به سرپرستی شاگردان را ترجیح می دهند.

۳. اجتناب کننده: این گروه بی علاقه به نظر می رسند و در کارها مشارکت نمی کنند، آنها به محیطی گرایش دارند که بتوانند ناشناس بمانند.

۴. مشارکت طلب: این افراد به مشارکت در امور اشتیاق نشان میدهند و سخنرانی همراه با بحث را ترجیح می دهند.

۵. وابسته: این یادگیرندگان پیرو اشخاص مقتدرند و به دریافت دستورالعمل های واضح و بدون ابهام تمایل دارند

۶. مستقل: این افراد مستقلاً فکر می کنند و در پروژه های مستقل حاضر میشوند و دوست دارند اهداف و فرایند یادگیری خود را تعیین کنند (گراشا و ریچمن، ۱۹۹۶).

❖ طبقه بندی سبک های یادگیری بر اساس ادراک های حسی:

۱. سبک های یادگیری ادراکی دیداری

فراگیران دیداری، از طریق دیدن مطلب را بهتر یاد می گیرند. آن ها بیشتر تمایل به خواندن اطلاعات، کتاب کار، و خواندن لغت دارند. آن ها باید راهکارهای کتبی داشته باشند تا بتوانند به خوبی در کلاس عمل کنند. گروهی از فراگیران که از طریق دیدن و ارائه مطالب آموزشی به آنها به صورت نمایش (نمودار، شکلها و تصاویر) که همراه با توضیح بیشتر باشد، بهتر یاد می گیرند.

۲. سبک های یادگیری ادراکی شنیداری

فراگیران این سبک دوست دارند که مطالب به صورت شفاهی ارائه شود و از طریق گوش دادن به سخنرانی ها و مباحثه مطالب لذت می برند. این دانش آموزان به طور معمول فقط نیاز به دستورالعمل های شفاهی دارند. گروهی از فراگیران که از طریق گوش دادن و آموزش شفاهی (شنیدن سخنرانی و توضیح)، یادگیری بهتری دارند.

۳. سبک های یادگیری ادراکی بساوبی

در این سبک فراگیران تمایل دارند که مطالب را با ساختن مدل در آزمایشگاه به صورت تماس مستقیم با دست فرا بگیرند. آن ها ترجیح می دهند مطالب را بنویسند. یادداشت برداری، مصاحبه با دیگران به این افراد در یادگیری کمک می کند. گروهی از فراگیران که اگر در طی سخنرانی یا خواندن متون نوشتاری یا چای، یادداشت نویسی و نکته برداری کنند، یادگیری آنها بهتر می شود.

۴. سبک های یادگیری ادراکی جنبشی

فراگیران این نوع سبک بیشتر با حرکت و درگیر شدن در کار کلاسی مطلب را فرا می گیرند. آن ها نمی توانند به مدت طولانی روی صندلی بنشینند. فعالیت هایی مانند اجرای نقش در فرایند یادگیری به آن ها کمک می کند. گروهی از فراگیران زمانی یادگیری بهتری دارند که نمونه های عملی، تجربی و دستکاری اشیاء، طی یک فرایند فیزیکی را شخصاً انجام دهند.

۵. سبک های یادگیری انفرادی

این نوع افراد بیشتر تمایل دارند به صورت انفرادی مطلب را فرا بگیرند.

۶. سبک یادگیری گروهی

این نوع افراد بیشتر تمایل دارند به صورت کار گروهی و از طریق کار با دیگران مطلب را فرا بگیرند (آکسفورد^۹، ۱۹۹۵).

تبیین مقوله انضباط در دانش آموزان

انضباط در مدرسه، یکی از مباحث مطرح در علوم تربیتی بوده و به معنای وجود نظم و رعایت آن توسط دانش آموزان در محیط مدرسه برای هماهنگی با مقررات مدرسه و معنی دار شدن محیط یادگیری و رشد طبیعی و هدفدار آنها در این محیط به کار می رود. انضباط در لغت به معنی سامان گرفتن، خوب نگاه داشته شدن، نظم داشتن و پیروی کامل از دستورات نظامی است. به سخن دیگر، انضباط به معنی صحیح، این است که فرد شخصاً رفتار و اعمال خود را تحت نظم و قاعده درآورد، خوشتن را کنترل کند و با توجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام نماید. هدف از نظم و انضباط در آموزش و پرورش آن است که دانش آموزان را با مقررات مدرسه هماهنگ ساخته و محیط یادگیری را معنی دارتر و تمایلات و غرایز طبیعی و فطری آنها را در جهت مطلوب هدایت و راهنمایی کند (گرف^{۱۰}، ۲۰۱۷).

انضباط را می توان از کودکی به افراد آموخت زیرا در کودکی افراد می توانند بهتر بیاموزند و بهتر بدان عادت کنند. راه های زیر را برای نظم بخشیدن به کودکان توصیه می شود.

۱. آموزش ها: یعنی باید به دانش آموز آموزش دهیم تا در دنیای جدید بدون سردرگمی زندگی کند
۲. تذکرات: باید از انضباط برای دانش آموز تعریف کرده و آن را لازمی موفقیت بدانیم
۳. تهیه مقررات: تهیه مقررات و تنظیم آن به دانش آموزان یک کار اساسی است و باید قوانین منطقی در نظر بگیریم.
۴. جنبه الگویی: باید برای دانش آموز الگو بوده و عامل و مجری نظم باشیم و اگر خود منظم نباشیم انتظار نظم از کودک بیهوده است.

⁹ Oxford, R. L

¹⁰ Gershoff, E. T

۵. تنظیم برنامه: باید سعی کنیم با برنامه‌ای به زندگی دانش آموز نظم ببخشیم.
 ۶. نشان دادن آثار: دانش آموز را باید از فواید نظم و زیان های بی نظمی آگاه کنیم
 ۷. سپردن مسئولیت: باید مسئولیت‌هایی در رابطه با نظم به دانش آموز بسپاریم برای مثال: مسئولیت نظم اتاق
 ۸. زمینه سازی برای عادات: اگر بتوان رعایت نظم را بخشی از زندگی دانش آموز کرد در آن صورت به آن عادت خواهد کرد (رمضان پور و همکاران، ۱۳۹۴).
- در مقابل، بی‌انضباطی و بی‌نظمی انجام دادن هر عمل یا رفتاری به وسیله دانش آموز که سازماندهی مدرسه و فعالیت‌های کلاس را مختل یا تهدید به اخلال می‌کند. بی‌انضباطی را رفتاری است که از طرف تعدادی از دانش‌آموزان انجام می‌شود و مشکلاتی را برای معلمین بوجود می‌آورد و معلم را در راه رسیدن به هدف که ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان است، با مشکل روبرو کرده و مانع از پیشرفت کار تحصیلی می‌شود و رفتار آنان، نامعقول و نامنظم است (آگیلار و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۱).

علل بی انضباطی دانش‌آموزان

بروز رفتارهایی از دانش‌آموزان که انضباط کلاس را مختل می‌کند تنها به معلم، کلاس درس مربوط نیست بلکه علل دیگری نیز نظیر عوامل آموزشگاهی، خانوادگی، اجتماعی وجود دارند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم زمینه را برای رفتارهای مخرب دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. این عوامل را می‌توان به مواد زیر تقسیم بندی کرد:

الف) علل مربوط به دانش‌آموزان

گاهی علل بی نظمی در کلاس ناشی از خود دانش‌آموزان است مانند: ۱. ناراحتی‌های جسمی، روحی و روانی ۲. نداشتن علاقه و انگیزه ۳. سردرگم بودن و بی‌توجهی به انتظارات معلم و کلاس ۴. نداشتن برنامه‌ی شخصی مطالعه ۵. کم خوابی و خستگی مفرط ۶. انجام ندادن تکالیف خود ۷. تغذیه نامناسب ۸. ناامیدی به آینده ۹. استقلال طلبی و مقابله با اقتدار معلم

ب) علل مربوط به معلم

۱. فقدان آمادگی جسمی، روحی و روانی معلم ۲. نامناسب بودن وضعیت ظاهری معلم ۳. نا آگاهی از روش‌های جدید تدریس و استفاده از روش‌های سنتی ۴. بی‌علاقگی به شغل معلمی ۵. ناتوانی در برقراری ارتباط مطلوب با دانش‌آموزان ۶. تبعیض گذاشتن بین دانش‌آموزان ۷. نامناسب و نارسا بودن صدای معلم ۸. نداشتن طرح درس ۹. بی‌توجهی به دانش‌آموزان ۱۰. فعال بودن معلم و منفعل بودن دانش‌آموزان ۱۱. استفاده نامناسب از تشویق و تنبیه ۱۲. بی‌حوصلگی و نداشتن صبر و سعه صدر ۱۳. بی‌نظمی معلم (دیرآمدن به کلاس و ترک کردن زود هنگام آن) ۱۴. تسلط نداشتن به موضوع مورد یادگیری ۱۵. بی‌توجهی به مسایل و مشکلات دانش‌آموزان ۱۶. مبهم بودن توقعات و انتظارات معلم ۱۷. بروز رفتارها و حرکات نامنظم در کلاس ۱۸. تحقیر و تمسخر دانش‌آموزان ۱۹. نداشتن روحیه‌ی انتقاد پذیری و خودداری از پاسخ‌گویی به سوالات دانش‌آموزان ۲۰. ناآگاهی از روش‌های اصلاح رفتار ۲۱. علاوه بر این ها شخصیت معلم نیز ممکن است نقش عمده‌ای در بی‌نظمی و یا برقراری نظم و انضباط کلاس داشته باشد، چنانچه برخی روانشناسان معتقداً در جایی که دانش‌آموزان معلم خود را از صمیم قلب دوست داشته باشند بی‌انضباطی وجود نخواهد داشت (صافی، ۱۳۸۵).

¹¹ Aguilar, S. J., Karabenick, S. A., Teasley, S. D., & Baek, C

ج) علل مربوط به کلاس درس:

محیط مدرسه را می توان از دو بعد فیزیکی و عاطفی مورد بررسی قرار داد (محمد زاده و همکاران، ۱۳۹۴). بر این اساس انضباط اخلاقی و رفتاری دانش آموزان می تواند روی آموزش اثرگذار باشد. دشواری کنترل دانش آموزان با توجه به ویژگی های سنی آن ها می تواند انضباط را در خلا هایی از آموزش تربیتی قرار دهد. لذا بسیاری از معلمان و مدیران از برخورد با مسایل انضباطی دانش آموزان احساس ناتوانی می کنند و به طور معمول ممکن است برخورد های نامناسبی با این رفتارها داشته باشند. بنابراین پرورش همراه آموزش، مهم جلوه کرده و با انطباق اصول تربیتی بر سبک های یادگیری دانش آموزان، مدارس می توانند مسؤولیت های مهم تربیت را در دانش آموزان به صورت اصولی بکار بسته و تربیت را در وجود دانش آموزان نهادینه نمایند که با این وضعیت در آینده نیز جامعه، به خوبی پذیرای این افراد آگاه و با تربیت می باشد.

نتیجه گیری

سبک های یادگیری روش پردازش داده ها توسط یادگیرنده ها هستند که به عنوان عامل اساسی در فرایند حل مساله، نشان دهنده متفاوت بودن عملکرد افراد در یادگیری است نظریه سبک های یادگیری نشان می دهند که افراد به شیوه های مختلف به بهترین نحو فکر می کنند و یاد می گیرند. سبک یادگیری می تواند پیامد های مهمی برای آموزش و پرورش دانش آموزان داشته باشد، زیرا

موفقیت دانش آموزان محصول تعامل آموزش و پرورش و سبک یادگیری است با توجه به اینکه ایده اصلی استفاده از "سبک های یادگیری" این است که یادگیرندگان در یک یا چند سبک طبقه بندی می شوند؛ بنابراین آموزش و تربیت دانش آموزان، براساس سبک آنها موجب بهبود یادگیری و پرورش دانش آموزان خواهد شد.

با عنایت به اینکه تجدید نظر در سیستم فعلی نظم و انضباط در مدارس، برای تدوین شیوه هایی که باعث احترام به صداقت کودک، حمایت از کلاسها و مدارس با عملکرد بالا و حمایت از انگیزه های طولانی مدت و توسعه اجتماعی می شود. لذا امروزه به اجرایی نمودن رویکرد سبک های یادگیری و شناختی مبتنی بر پاداش در مدارس نیازمندیم که تربیت اصولی را به گونه ای مورد بررسی و اجرایی قرار دهند که دانش آموزان با عنایت به سبک های درونی خویش، پرورش یافته و شور و نشاط این دوران که انگیزه کافی و وافی برای زندگی پر نشاط در جامعه ایجاد می کند در درون دانش آموزان از بین نرود.

لذا در جامعه پیشرفته کنونی این ادعا که وظیفه نظام آموزش و پرورش، انتقال معلومات از نسل گذشته به نسل آینده است، دیگر معنایی ندارد، بلکه اساس نظام آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم فراهم ساختن زمینه تجربی فعالیت های آموزشی و یاد دادن چگونه فکر کردن و چگونه یاد گرفتن (یادگیری یادگیری) و چگونه رفتار کردن است. از این رو شناسایی انواع سبک های یادگیری در دانش آموزان و متغیر های مرتبط با آنها به قطع یقین موضوعی ضروری در امر یادگیری، تربیت و انضباط به نظر می رسد.

منابع

منابع فارسی

۱. خسروی، علی اکبر (۱۳۸۳). «رابطه بین سبک های تفکر با سبک ادراکی، سبک مفهومی و سبک یادگیری دانش آموزان» و تحقیقات روان شناختی ۱۳۸۹، ۲ (۵).
۲. شمس اسفندآباد، حسن و سوزان امامی پور. (۱۳۹۰). سبکهای یادگیری و شناختی نظریه ها و آزمون ها، تهران: سمت.
۳. همایونی علی، ابراهیمی قوام. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک های یادگیری و فرایندهای فراشناختی با اضطراب ریاضی در دانشجویان علوم مالی. مجله بین المللی پژوهش در رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی ۳۴-۴۲، ۳ (۲).
۴. یزدی، منور. (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه شیوه ها و سبک های یادگیری دانشجویان دانشکده های مختلف دانشگاه الزهرا (راهکاری به منظور شناسایی مسیر حرفه ای) فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی ۵ (۲): ۱۲۳-۱۴۵.
۵. سیف، علی اکبر. (۱۳۹۶). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران.
۶. صافی، احمد. (۱۳۸۵). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۷. محمدزاده قصر، اعظم؛ ابراهیمیکوشک مهدی، سمیه، بهمنآبادی، سمیه، رحمانی، داود و اسدی، رضا. (۱۳۹۴). شناسایی سبک های یادگیری کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مشهد به منظور تطابق با محتوای الکترونیکی آموزشهای ضمن خدمت. مجله دانشگاهی یادگیری الکترونیکی ۴ (۱)، ۱۱۰-۲۹.
۸. غنایی، زیبا (۱۳۸۴). بررسی تاثیر هوش هیجانی و خستگی شناختی بر حل مسایل شناختی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.
۹. رمضان پور، انسیه؛ بختیاری، ابوالفضل؛ شیخیکیاسری، سمیه و فرهادی، فرهاد. (۱۳۹۴). رابطه سبک یادگیری و سبک تفکر دانشجویان دانشکده های فنی - مهندسی و روانشناس - علوم تربیتی دانشگاه تهران. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران ۲۰ (۷)، ۱۹۳-۲۱۹.
۱۰. صفری، یحیی و بذرافشان، آذر. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سبکهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه در درس زبان انگلیسی شهر شیراز. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲ (۴)، ۳۰-۱۷.

منابع انگلیسی

1. Aguilar, S. J., Karabenick, S. A., Teasley, S. D., & Baek, C. (2021). Associations between learning analytics dashboard exposure and motivation and self-regulated learning. *Computers & Education*, 162, 104085.
2. Ching, Y. S., Chaun, L. W. (2004). "The Relationship among Creative, Critical Thinking and Thinking Styles in Taiwan High School Students", *Journal of Instructional Psychology*, Vol. 31.
3. Fleming ND. Teaching and learning styles: VARK strategies. IGI Global; 2011, pp: 78-85.
4. Gallagher, D. (2007). Learning styles, self-efficacy, and satisfaction with online learning: Is online learning for everyone? (Dissertation, Bowling Green state University. Dissertation Abstract. 124 page
5. Gershoff, E. T. (2017). School corporal punishment in global perspective: prevalence, outcomes, and efforts at intervention. *Psychology, Health & Medicine*, 22(sup1), 224-239.
6. Grasha, A, Richman, F, (1996). Teaching with Style: A Practical Guide to Enhancing Learning by Understanding Teaching and Learning Style, Pittsburgh: Alliance publishers
7. Lamberski, R. (2002). Kolb learning style inventory. Available at <http://www.coe.iup.edu/rjl/instruction/cml50/selfinterpretation/kolb.htm>.
8. Lee, C., & Campbell, D. L. (2021). A multi-disciplinary approach to assess the welfare impacts of a new virtual fencing technology. *Frontiers in Veterinary Science*, 8, 111.
9. Macarty, M. (1980). teaching quantitative research methods. *Theory into practice*, vol. 45... pp 368-377
10. Oxford, R. L. (1995). Gender differences in language learning styles: What do they mean? In J. M. Reid (Ed.), *Learning styles in the ESL/EFL classroom* (pp. 34-46). Boston, MA: Heinle & Heinle Publishers.
11. Sreenidhi SK, Tay Chinyi H. Styles of learning based on the research of Rernald, Keller, Orton, Gillingham, Stillman, Montessori and Neil D Fleming. *International Journal for Innovative Research in Multidisciplinary Field*. 2017; 3(4): 17-25.



12. Winkler, J. L., Walsh, M. E., de Blois, M., Maré, J., & Carvajal, S. C. (2017). *Kindn discipline: Developing a conceptual model of a promising school discipline approach. Evaluation and Program Planning*, 62, 15-24.
13. Witkin, N. (1987). *The Cognitive Style Index. A measure of intuition analysis for Organizational Reaserch.*, Vol. 33, pp 119-135.



Investigating learning styles and its role in student discipline In the Miandoab city Primary schools

Gazal Yahyazade Miandoab

Azarbaijan Shahid Madani University

Abstract

Learning styles is one of the challenging topics in educational science research. In many cases, the obtained results have been in conflict with each other. Many believe that learning styles affect learning itself. Although the term learning styles is defined in different ways, all definitions emphasize that learning styles include beliefs, beliefs and behaviors that people use. In this research, learning styles and their role in the discipline of elementary school students in Miandawab city have been investigated.

Keywords: style, learning, discipline, student, Miandawab